



سید عباس عراقچی وزیر خارجه ایران اظهار داشت: دستور کار نشست عمان، مسیر دریایی جدید در تنگه هرمز است.

به گزارش اقتصادسراسر آمد، وزیر خارجه کشور در گفت‌وگو با العربی الجدید افزود: جزئیات توافق با عمان و نقشه‌های مرتبط با مسیر جدید را در اختیار کشورهای شرکت‌کننده قرار خواهیم داد.

وی تصریح کرد: توافق با سلطنت عمان به هیچ وجه به معنای باز گشایی تنگه هرمز نیست و شرط ایران برای بازگشایی این آبراهه، بازگشت آمریکا به تعهدات خود در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد است.

عراقچی با بیان اینکه ایران معتقد است مسئولیت تأمین امنیت و ثبات منطقه صرفاً بر عهده کشورهای منطقه است، ابراز امیدواری کرد که این گفت‌وگوها زمینه را برای رایزنی‌های آتی درباره هر موضوعات مورد اهتمام کشورهای منطقه فراهم کند.

وزیر امور خارجه در پاسخ به سوالی در خصوص مهم‌ترین دستور کار، پیام و اهداف نشست عمان گفت: ابتدا لازم می‌دانم یک نکته را درباره این نشست روشن کنم. این اجلاس، در واقع نشست هشت کشور حاشیه خلیج فارس است که بحرین، به دلایلی که خود اعلام کرده، تمایلی به حضور در آن نداشته است. بنابراین، نشست با حضور هفت کشور ساحلی خلیج فارس برگزار می‌شود و تعابیر دیگری که ممکن است برای توصیف عنوان یا ماهیت این نشست به کار برده شوند، دقیق و صحیح نیست.

مهم‌ترین و در واقع تنها دستور کار این نشست، موضوع مسیر جدید دریایی در تنگه هرمز است. همان‌طور که می‌دانید، در گفت‌وگوهای میان جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان، درباره ایجاد یک مسیر جدید دریایی در تنگه هرمز توافق صورت گرفته و نقشه‌های مربوط به این مسیر نیز تهیه شده‌است. همچنین، بیانیه مشترکی در این زمینه تنظیم شده است.

قرار است در این نشست، جزئیات این توافق، نقشه‌های مربوطه و بیانیه مشترک به اطلاع سایر کشورهای حوزه خلیج فارس برسد و پس از آن، در نهایت، این مجموعه برای سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO) ارسال شود تا ثبت شود و در چارچوب سازوکارهای این سازمان قرار گیرد.

بنابراین، دستور کار نشست کاملاً مشخص و محدود است و نباید موضوعات دیگری را به‌عنوان دستور کار رسمی آن تعریف کرد. البته این نخستین بار است که چنین گفت‌وگویی بین کشورهای حوزه خلیج فارس در این قالب انجام می‌شود. از این منظر، می‌توان امیدوار بود که همین گفت‌وگو، در صورت وجود اراده سیاسی، زمینه یا پایه‌ای برای رایزنی‌های بعدی درباره سایر موضوعات مورد علاقه کشورهای منطقه فراهم کند. اما تأکید می‌کنم که این موضوع، هدف یا دستور کار فعلی نشست نیست. دستور کار این نشست مشخصاً و صرفاً موضوع ترتیبات جدید دریایی در تنگه هرمز است

سید علی گروه دانش دریا - صندوق بین‌المللی پول در سابعبر ۲۰۲۴ مقاله‌ای به قلم فابین گونگه و جونتینگ ژو، دو پژوهشگر مطرح حوزه «اقتصاد آبی» منتشر کرده‌است. گزارشی که پژوهشگران در آن از فرصت بی‌نظیر اقتصاد دریامحور برای توسعه در جزایر جهان صحبت کرده و این حوزه را آزمونی مهم در زمینه تاب‌آوری جزایر معرفی کرده بودند. در ادامه ترجمه خلاصه‌ای از این مقاله که در قالب Working Paper شماره ۲۵۵/۲۰۲۴ صندوق بین‌المللی پول منتشر شده می‌خوانید؛ با ذکر این نکته از هوش مصنوعی در ترجمه این متن کمک گرفته شده است.

مقدمه

اقیانوس برای بسیاری از اقتصادهای جهان تنها یک پهنه آبی نیست؛ یک زیرساخت اقتصادی گسترده است که از ماهیگیری و حمل‌ونقل دریایی گرفته تا گردشگری ساحلی، استخراج منابع و تجارت بین‌المللی را دربرمی‌گیرد. بیش از ۳ میلیارد نفر در جهان، به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه، برای معیشت خود به منابع دریایی و ساحلی وابسته‌اند. در همین حال، حدود ۸۰ درصد تجارت جهانی از مسیر دریا انجام می‌شود و اقیانوس‌ها علاوه بر تأمین غذا، میلیون‌ها شغل ایجاد می‌کنند. در چنین شرایطی، اقتصاد آبی یا «اقتصاد اقیانوسی» دیگر یک مفهوم صرفاً زیست‌محیطی نیست، بلکه به یکی از موضوعات مهم سیاستگذاری اقتصادی تبدیل شده است. پژوهش فابین گونگه و جونتینگ ژو در صندوق بین‌المللی پول، با تمرکز بر ۱۳ اقتصاد جزیره‌ای اقیانوس آرام، نشان می‌دهد که در بسیاری از این کشورها فعالیت‌های وابسته به دریا بین یک‌سوم تا نیمی از ارزش افزوده کل اقتصاد را تشکیل می‌دهد. اما همین وابستگی شدید، در کنار فرصت‌های رشد، آسیب‌پذیری قابل توجهی در برابر بحران‌های اقتصادی، تغییرات اقلیمی و تخریب محیط‌زیست ایجاد کرده است.

وقتی دریا ستون فقرات اقتصاد می‌شود

اقتصادهای جزیره‌ای اقیانوس آرام در بسیاری از موارد خود را «کشورهای بزرگ اقیانوسی» می‌نامند؛ تعبیری که فقط به وسعت پهنه‌های دریایی آنها مربوط نیست، بلکه اهمیت اقتصادی دریا را نیز نشان می‌دهد. برای نمونه، مناطق انحصاری اقتصادی برخی از این کشورها هزاران برابر مساحت خشکی آنهاست. در چنین جغرافیایی، گردشگری و شیلات دو ستون اصلی اقتصاد محسوب می‌شوند.

سواحل و زیست‌بوم‌های دریایی، گردشگران بین‌المللی را جذب می‌کنند و پهنه‌های وسیع دریایی نیز منابع ارزشمند ماهی، به‌ویژه گونه‌های مهم تجاری، در اختیار این کشورها قرار می‌دهد. از سوی دیگر، درآمد حاصل از صدور مجوز ماهیگیری به ششاورهای خارجی در بسیاری از این کشورها مستقیماً وارد بودجه دولت می‌شود و برای تأمین خدمات عمومی و زیرساخت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پژوهش صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد آسیا را مجموع تمام بخش‌ها و فعالیت‌های مرتبط با دریا تعریف می‌کند؛ تعریفی که صرفاً به فعالیت‌های «پایدار» محدود نمی‌شود. بنابراین، ماهیگیری، حمل‌ونقل دریایی، کشتی‌سازی، گردشگری و بخشی از فعالیت‌های خدماتی و اقتصادی که به‌شکل مستقیم یا غیرمستقیم به دریا وابسته‌اند، در این مفهوم قرار می‌گیرند. این رویکرد اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا اندازه واقعی اقتصاد دریا معمولاً با شمارش چند صنعت مشخص قابل اندازه‌گیری نیست. یک هتل ساحلی، خدمات حمل‌ونقل، رستوران، ساختوساز یا حتی برخی خدمات ارتباطی می‌تواند بخشی از زنجیره ارزش اقتصاد آبی باشد.



اقتصاد آبی در اقیانوس آرام چقدر بزرگ است؟

نویسندگان برای اندازه‌گیری اقتصاد آبی از یک پایگاه داده بین‌منطقه‌ای «داده‌ستانده» استفاده کرده‌اند که ۲۲۵ کشور و قلمرو را پوشش می‌دهد و فعالیت‌های اقتصادی را در ۱۳۵ بخش تفکیک می‌کند. در این مطالعه، از میان این بخش‌ها ۲۸۸ بخش به‌طور کامل یا جزئی مرتبط با اقتصاد دریایی تشخیص داده شده‌اند. در برآورد محدود، هفت بخش که کاملاً دریایی تلقی شده‌اند، مبنای محاسبه قرار گرفته‌اند؛ از جمله ماهیگیری، کشتی‌سازی، حمل‌ونقل دریایی و گردشگری. در برآورد گسترده‌تر، سهم دریایی ۲۱ بخش دیگر نیز به محاسبات اضافه شده است. در نهایت، در یک برآورد توسعه‌یافته، فعالیت‌های دولتی که با درآمدهای مرتبط با دریا تأمین مالی می‌شوند نیز در نظر گرفته شده‌اند.

نتیجه قابل توجه است: در بیشتر کشورهای مورد بررسی، اقتصاد آبی بین یک‌سوم تا نیمی از کل ارزش افزوده اقتصاد را تشکیل می‌دهد. گردشگری در همه این کشورها مهم‌ترین بخش اقتصاد آبی است و در برخی کشورها سهم آن از یک‌چهارم ارزش افزوده کل نیز فراتر می‌رود. شیلات در رتبه بعدی قرار دارد، هرچند در بسیاری از این کشورها بخش بزرگی از فعالیت ماهیگیری توسط شناورهای خارجی انجام می‌شود.

حمل‌ونقل دریایی و کشتی‌سازی در مقایسه با گردشگری و شیلات سهم کوچک‌تری دارند، اما اهمیت آنها در اتصال این اقتصادهای جزیره‌ای به بازارهای جهانی قابل چشم‌پوشی نیست. همچنین فعالیت‌های نیمه‌دریایی در بخش‌هایی مانند ساخت‌وساز، املاک و ارتباطات می‌توانند ۶ تا ۱۲ درصد دیگر به برآورد اقتصاد آبی اضافه کنند. در برخی کشورها نیز درآمدهای حاصل از مجوزهای ماهیگیری نقش تعیین‌کننده‌ای در بودجه دولت دارد. بنابراین، اقتصاد آبی فقط تولیدکننده درآمد بخش خصوصی نیست؛ در مواردی مستقیماً ظرفیت مالی دولت برای ارائه خدمات عمومی و سرمایه‌گذاری را نیز تعیین می‌کند.

صادرات: فرصت و هم‌زمان نقطه آسیب‌پذیری

یکی از ویژگی‌های اقتصاد آبی این کشورها، وابستگی بالای آن به بازارهای خارجی است. در اغلب اقتصادهای مورد مطالعه، بخش‌های دریایی نسبت به کل اقتصاد صادرات‌محورتر هستند و در نیمی از آنها، صادرات اقتصاد آبی دست‌کم سه برابر بیشتر از سهم صادرات در کل ارزش افزوده اقتصاد است. این ویژگی در نگاه نخست یک مزیت محسوب می‌شود؛ زیرا بازار داخلی کوچک کشورهای جزیره‌ای ظرفیت محدودی دارد و اتصال به بازارهای جهانی امکان رشد بیشتری فراهم می‌کند.

از طرف دیگر همین وابستگی می‌تواند به یک خطر تبدیل شود. هرچه اقتصاد بیشتر به تقاضای خارجی وابسته باشد، در برابر رکود، کاهش سفرهای بین‌المللی، تغییر قیمت‌ها یا تغییر رفتار شرکای تجاری آسیب‌پذیرتر خواهد بود. مشکل دیگر، تمرکز صادرات است. در بسیاری از کشورهای مورد بررسی، حداقل دوسوم صادرات اقتصاد آبی تنها به پنج مقصد اصلی می‌رود.

در نتیجه، شوک اقتصادی یا تجاری در چند بازار محدود می‌تواند به‌سرعت به درآمدهای دریایی و سپس به کل اقتصاد منتقل شود. گردشگری نمونه روشن این آسیب‌پذیری است. اقتصادهایی که بخش بزرگی از درآمد خود را از ورود گردشگران کشورهای ثروتمند به دست می‌آورند، در زمان وقوع بحران‌های جهانی به‌سرعت تحت فشار قرار می‌گیرند.

اگر بحران مالی دیگری رخ دهد

نویسندگان برای سنجش تاب‌آوری اقتصاد آبی، سناریویی شبیه بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ را شبیه‌سازی کرده‌اند. در این

«سراسرآمد» منتشر می‌کند؛

اقتصاد دریامحور؛ آزمون تاب‌آوری جزایر جهان

نگاهی به نسخه صندوق بین‌المللی پول برای اقتصاد آبی

در جزایر اقیانوس آرام

طوفان آسیب‌پذیر تر باشند، اما فعالیت‌های اقتصاد آبی در برخی موارد نسبت به بخش‌های غیرآبی، آثار سوزش کمتری ایجاد می‌کنند. به بیان دیگر، اقتصاد آبی لزوماً تقویت‌کننده شوک نیست و در صورت طراحی مناسب می‌تواند بخشی از ظرفیت تاب‌آوری اقتصاد را نیز فراهم کند.

نسخه صندوق بین‌المللی پول برای اقتصاد آبی

نتیجه اصلی مطالعه روشن است؛ وابستگی به دریا به خودی خود نه یک مزیت مطلق است و نه یک تهدید مطلق. مسئله اصلی نحوه مدیریت این وابستگی است. نویسندگان سه مسیر اصلی را پیشنهاد می‌کنند: تنوع‌بخشی، سازگاری با تغییر اقلیم و اصلاح سیاست‌های مالی. در حوزه تنوع‌بخشی، کشورها باید هم محصولات و خدمات دریایی خود را متنوع کنند و هم بازارهای مقصد را. ایجاد صنایع فرآوری ماهی می‌تواند ارزش افزوده بیشتری در داخل کشور ایجاد کند. توسعه گردشگری تخصصی، علمی، پزشکی و زیست‌محیطی

نیز می‌تواند وابستگی به گردشگری انبوه را کاهش دهد. در کنار آن، گسترش بازارهای صادراتی، افزایش تعداد شرکای تجاری و تنوع‌بخشی به کشورهایی که ناوگان ماهیگیری آنها از آب‌های سرزمینی استفاده می‌کند، اهمیت دارد.

اما تنوع‌بخشی بدون سازگاری اقلیمی کافی نیست. سرمایه‌گذاری‌های جدید باید از ابتدا در برابر طوفان، افزایش سطح دریا و تخریب زیست‌بوم‌های دریایی مقاوم طراحی شوند. زیرساخت‌های بندری، گردشگری، حمل‌ونقل و خدمات ساحلی باید هم‌زمان با معیارهای اقتصادی و زیست‌محیطی ساخته و نگهداری شوند.

از سوی دیگر، دولت‌ها باید درآمدهای دریایی را صرفاً برای هزینه‌های جاری مصرف نکنند. اصلاح قیمت‌گذاری مجوزهای ماهیگیری، هدایت بخشی از درآمدهای دریایی به سرمایه‌گذاری‌های پایدار و حتی ایجاد صندوق‌های تثبیت یا صندوق‌های بین‌نسلی می‌تواند منابعی برای مقابله با کاهش احتمالی ذخایر ماهی و افزایش خسارات‌های اقلیمی در آینده فراهم کند.

دریا؛ سرمایه‌ای که نباید مصرف شود

پیام نهایی این پژوهش برای اقتصادهای ساحلی فراتر از جزایر اقیانوس آرام است. اقتصاد آبی می‌تواند موتور رشد، اشتغال، درآمد ارزی و حتی تأمین مالی دولت باشد. اما تنها زمانی که منابع دریایی به‌عنوان «سرمایه طبیعی» دیده شوند، نه یک منبع پایان‌ناپذیر برای استخراج درآمد. توسعه بی‌ضابطه گردشگری، صید بیش از ظرفیت، آلودگی دریایی و فعالیت‌هایی مانند استخراج از اعماق دریا می‌تواند همان سرمایه‌ای را که اقتصاد آبی بر آن بنا شده است، فرسوده کند. در چنین شرایطی، رشد کو‌تأمندت ممکن است به قیمت از دست رفتن ظرفیت تولید در بلندمدت تمام شود.

صندوق بین‌المللی پول در جمع‌بندی این مطالعه تأکید می‌کند که تکیه بر اقتصاد آبی برای توسعه بلندمدت، بدون تنوع‌بخشی و سازگاری با تغییرات اقلیمی، می‌تواند اقتصاد را در برابر شوک‌ها آسیب‌پذیرتر کند. در مقابل، مدیریت پایدار منابع دریایی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مقاوم، تنوع‌بخشی به بازارها و محصولات و ایجاد ذخایر مالی می‌تواند اقتصاد آبی را به ابزاری برای افزایش تاب‌آوری تبدیل کند.

از این منظر، مهم‌ترین درس اقتصادهای جزیره‌ای اقیانوس آرام آن است که «آبی کردن اقتصاد صرفاً به معنای افزایش فعالیت‌های اقتصادی در دریا نیست. اقتصاد آبی زمانی به یک راهبرد توسعه تبدیل می‌شود که میان بهره‌برداری اقتصادی از اقیانوس و حفظ ظرفیت طبیعی آن تعادل برقرار شود. در غیر این صورت، دریا که امروز منبع رشد و درآمد است، می‌تواند فردا به منشأ اصلی آسیب

ژئوپارک جهانی قشم – جزایر ناز در گذر زمان

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریبا عزیزی - اقتصاد سراسرآمد